

مجله ی بین المللی تحقیقات علمی علوم اجتماعی
مجلة البحوث العلمية العالمية للعلوم الاجتماعية
Uluslararası Sosyal Bilimler Dergisi
International Journal of Social Science Research

دیوان

ISSN: 2706-6428 E-ISSN: 2707-7462

جلد: ۰۲ شماره: ۰۱ سال: ۱۳۹۹

اسباب گدایی و راه های علاج آن از دیدگاه اسلام
أسباب التسول و طرق علاجه في الإسلام
Dilenme Sebepleri ve İslam'da Dilenciliğin Çözüm Yolları
The Causes of Begging and how to fight against it from Islamic Perspective
Doi: <http://dx.doi.org/10.48117/Diwan.2021.2>

پوهنوال دوکتور محمد عثمان روحانی*

Makale Bilgisi / Article Information

Makalenin Türü/Article Type: Araştırma makalesi/Research Article

Geliş Tarihi / Received Date: 25.02.2020

Kabul Tarihi / Accepted Date: 19.12.2020

معلومات مقاله / المعلومات للمقالة

نوع مقاله / نوع المقالة: تحقیقی / تحقیقیة

تاریخ دریافت مقاله / تاریخ استلام المقال:

تاریخ پذیرش مقاله / تاریخ قبول المقال:

نحوه ارجاع دهی از این مقاله در پاورقی

محمد عثمان روحانی، "اسباب گدایی و راه های علاج آن از دیدگاه اسلام"، مجله دیوان ۱/۲ (جدی ۱۳۹۹)، ۲۷-۵۴.

Atif

Mohammad Osman Rohany, "Dilenme sebepleri ve İslam'da dilenmenin çözüm yolları", *Diwan Dergisi* 2/1 (Ocak 2021), 27-54.

* استاد دانشگاه تعلیم و تربیه شهید استاد ربانی کابل / افغانستان.

ORCID ID: 0000-0002-0536-5274

چکیده

واژه های کلیدی:

اسباب، اسلام، گدایی، علاج.

این مقاله به مطالعه اسباب گدایی و راه های علاج آن از دیدگاه اسلام پرداخته است. گدایی و درخواست کمک مالی از دیگران برای گذراندن زنده گی است که از زمان های بسیار دور در جوامع وجود داشته و همچنان وجود دارد. هدف گدایی را می توان تحت عنوان دست درازی کردن برای کسب درآمد دانست، بسیاری از انواع گدایی، بر اساس عوامل روانی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به وجود می آید و محصول ساختار اجتماعی و نارسایی های ناشی از آن است. با توجه به مطالعات انجام شده این تحقیق با هدف بررسی و تحلیل عوامل موثر بر گدایی از دیدگاه اسلام انجام شده است. روش تحقیق توصیفی، پیمایشی است. گدایی یکی از پدیده های اجتماعی شایع در بسیاری از شهرها است که پیامدهای اجتماعی ناگواری در بر دارد. هدف اصلی تحقیق عبارت از بررسی اسباب موثر بر گرایش به گدایی از دیدگاه اسلام میباشد. مطالعه حاضر از نوع توصیفی-تحلیلی بود که به صورت کتابخانه ای انجام شده است. نتایج بررسی نشان می دهد که مهم ترین اسباب گدایی عبارت از: فقر اقتصادی، مهاجرت و تشویق دوستان، تن پروری، ضعف وجدان اخلاقی، عدم نگرش منفی به گدایی، عدم نظارت و کنترل رسمی، عدم حمایت و تامین اجتماعی، فقر و بیکاری، تضاد طبقاتی، سابقه گدایی در خانواده، تشکیل می دهد.

مُلَخَّصٌ

الكلمات المفتاحية:

الأسباب، الإسلام، التسول، العلاج.

تناولت هذه المقالة أسباب التسول و طرق علاجه في الإسلام. قد شاعت ظاهرة التسول و طلب المساعدة المالية من الناس لكسب القوت و تكاليف الحياة منذ زمن بعيد، و في الأغلب يرجع التسول إلى الأسباب النفسية، والاجتماعية، و الثقافية، و الاقتصادية، و عدم وجود رعاية هذه الأحوال، و عدم وجود التكافل فيها بين أفراد المجتمع. و هذه الظاهرة الاجتماعية الشائعة في معظم المدن لها عواقب سلبية على الحياة الاجتماعية. و بناء على اطلاع الباحث استهدف البحث دراسة أهم أسباب التسول و تحليلها في ضوء الدين الإسلامي، و اتبع الباحث المنهج الوصفي الاستقصائي، و الهدف الأساس لهذا البحث دراسة الأسباب التي تشكل عاملاً أساسياً في لجوء الإنسان إلى التسول من منظور الإسلام، و هذه الدراسة وصفية تحليلية حيث اعتمد الباحث في جمع مادتها على المكتبة. و مما توصل إليه الباحث من نتائج من البحث، أن أهم أسباب التسول هو الفقر، والهجرة، و الكسل، و ضعف الوجدان الخُلقي، و عدم النظرة السلبية إلى التسول، عدم رعاية الجهات الرسمية لهذه الظاهرة و ادارتها لها، و عدم وجود تكافل اجتماعي، و البطالة، و النزاعات الطبقية، و خلفية التسول للعائلة.

Anahtar Kelimeler:

Sebep, İslam,
Dilencilik, Çözüm.

Özet

Bu makale dilencilik sebepleri ve İslam Dininde çözümlerini ele almaktadır. Dilencilik ve geçimini sağlamak için başkalarından maddi yardım talebi uzun zamandan beri toplumlarında var olan bir şeydir. Dilencilik hedefini elde etmek olarak değerlendirmek mümkündür. Ancak bu eylemin birçoğu psikolojik faktörler, sosyal, kültürel ve ekonomik durumlar ve sosyal düzenin de yetersizliği sebebiyle ortaya çıkmaktadır. Yapılan okumalara göre bu araştırma, dilenmeyi etkileyen faktörleri İslam perspektifinden incelemek amacıyla yapılmıştır. Araştırmada tanımlayıcı yöntem kullanılmıştır. Dilencilik birçok şehirde mevcut olup korkunç toplumsal sonuçlar barındıran bir olgudur. Bu araştırmanın asıl amacı dilencilik yönelişin sebeplerinin İslami bir bakış açısıyla değerlendirmektir. Bu çalışmada betimleyici ve analitik bir yöntem takip edilmiştir. Değerlendirmeler sonucunda dilencilik önemli sebepleri şunlardır: Ekonomik yetersizlik, göç, ahlaki vicdanın zayıflığı, dilencilik olumsuz bakış açısının bulunmaması, resmi denetimin yokluğu, sosyal dengenin olmaması, işsizlik ve fakirlik, sınıflar arasındaki uçurum ve ailede önceden dilencilik yapan birinin varlığı.

Keywords:

Causes, Islam,
Begging, Treatment.

Abstract

tools of healing from the perspective of Islam. Begging and asking for financial help from others is a way of life that has existed in societies for a long time. The purpose of takedown can be termed as making money, many types of takedown are based on psychological, social, cultural, and economic factors and are the product of social structure and its inadequacies. it was studied. The purpose of this study was to analyze and analyze the factors affecting the reproducibility of Islam's viewpoint. Tackling is one of the common social phenomena in many cities that has adverse social consequences. The main purpose of this research is to examine the means of influencing the tendency towards takadarism from the Islamic point of view. The present study was a descriptive-analytical one conducted in a library. The results of the study show that the most important tools of abortion are: economic poverty, immigration and encouragement of friends, bullying, lack of moral conscience, lack of negative attitudes towards abstinence, lack of formal supervision and supervision, lack of social support, poverty and unemployment. Class conflict constitutes a history of family homicide.

مقدمه

الحمد لله رب العلمین و الصلاة و السلام علی سید المرسلین محمد و علی آله و أصحابه أجمعین و بعد:

اسلام به شدت در برابر گدایی مبارزه می کند و آن را یکی از اسباب ذلت، خواری و سر افگندگی برای غیر خدا می داند، و این کار منافی عقیده توحید است که به واسطه آن مسلمانان سر بلند گردیده اند، دین مقدس اسلام رضایت ندارد که مسلمانان به خواری تن در دهند، بعد از آن که خداوند آن ها را به اسلام عزت و کرامت بخشیده آن ها دست خود را به گدایی بدیگران دراز کنند، بدست آرند و یا خیره روی هم رفته گدایی يك امر نامناسب و زشت است؛ زیرا از آن احسان کردن و منت گذاشتن به میان می آید. دست بلند و توانا از دست ناتوان و نادار بهتر است، اگر حرفه به هر اندازه بی اهمیت و کم ارزش باشد نزد اسلام بهتر و شریف تر از گدایی و تلخی محتاجی است.

گدایی مشکل عارضی است که در جوامع به وجود می آید و مشکلی نیست که حل آن امکان پذیر نباشد، حل این مشکل بسیار ساده و آسان است، مشروط به این که نیت سالم باشد و با عزم راسخ و کوشش جدی، می توان آن را حل نمود و این کار زمانی تحقق می پذیرد که فرد و جامعه به دساتیر اسلام عملاً گام بردارند، علاج مثمر و فیصله کن بدست اسلام است و می توان از این راه از آثار بد نتایج نا میمونش به سهولت رهائی یافت، دین مقدس اسلام عزم انسانی را تقویت بخشیده همتش را بالا می برد و راجع به کسب و کار نظر ویژه دارد و نمی خواهد که آبروی کسی در اثر سوال و گدایی کردن بریزد و ذلت و خواری به او برسد، اسلام در پهلوی آن که از طمع و آزمندی مردم را باز می دارد، گدایی را نیز نیکویش می کند، به کار و عمل تشویق و ترغیب می نماید، ولو عملی باشد که آن را مردم حقیر می شمارند. دین مقدس اسلام عواقب سوالگری را بد دانسته و آن را سبب عذاب در قیامت قلمداد کرده است، چنانچه عبدالله بن عمر از پیامبر اسلام ﷺ روایت کرده است:

پیامبر ﷺ فرموده است: انسانی که از مردم سوال و گدایی می کند در روز قیامت در حالتی با خداوند ﷻ روبرو می شود که در رویش پارچه گوشت هم نمی باشد.

گدایی از نظر اسلام آتش است، کسی که چیزی می خواهد در حقیقت آتش دوزخ را می خواهد، لذا او در این اختیار دارد که آتش را برای خود انتخاب می کند و یا خیر، اسلام مردم را از این کار برحذر داشته است، زیرا در پهلوی آن که سبب شرمنده گی در دنیا می شود باعث شرمنده گی در آخرت نیز می گردد. گدایی تعداد زیادی را بدون دلیل معقول معطل و بی کار می سازد در حالیکه ملت و مردم به کار آن ها نیاز دارند. گدایی

دلیل تاخیر، پشیمانی و مانع پیشرفت و تقدم و لانه فساد برای انتشار جرایم و جنایات، مصدر و منشأ شرارت، بی قانونی، بی امنیتی در جوامع بشری است.

تعریف گدایی

تکدی گری در لغت به معنای گدایی کردن است.^۱

تکلف در سؤال و حاجت خواهی از این و آن و پافشاری بر آن، معنا شده است.^۲

متکدی کسی است که در پی کمک و یاری مادی از دیگران دست را پیش این و آن دراز می کند و گاه با سماجت تمام خواستار کمک مالی، نقدی و جنسی می شود. این عمل در برخی از کشورها رواج دارد و در کوچه و معابر افرادی یافت می شوند که تلاش می کنند بدون هیچ زحمتی پولی به چنگ آورند.

گدایی معنی کلمه مسئلت (سوال کردن و خواستن) زبان عربی است.^۳

گدا در فارسی به شخص بینوا و نادار و کسی که وجه معاش خود را به طور رایگان از دیگران بخواهد گفته می شود.^۴

و یا این که از دیگران چیزی (پول، خوردنی و پوشیدنی) برای رفع حاجت طلب کند.^۵

و در اصطلاح: طلب نمودن، آروز کردن و خواستن چیزی را از کسی، بدون عوض، گدایی گفته می شود.^۶

دیدگاه قرآن در رابطه با تکدی گری

قرآن یکی از علل و عوامل تکدی گری را فقر و نیازمندی انسان ها همراه با نوعی نگاه به شخصیت های انسانی تحلیل و تبیین می کند؛ به این معنا که ریشه تکدی گری هر چند که به ظاهر فقر و بی نوایی و نیاز به برآورده آن است ولی ریشه روانی و شخصیتی نیز دارد. به این معنا که افراد و اشخاصی به تکدی گری روی می آورند که از

^۱ محمد معین، فرهنگ فارسی معین (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱)، ۱/۱۲۶۴.

^۲ علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۸)، ۴/۶۷۰.

^۳ ابوالفضل محمد بن المکرم، لسان العرب (بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۶)، ۱۰/۱۳۴.

^۴ حسن عمید، فرهنگ عمید (تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۹)، ۱/۱۰۳۱.

^۵ أبو عبدالله محمد بن سلامة بن جعفر القضاعی، مسند الشهاب (بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۶)، ۱/۱۷۰.

^۶ القضاعی، مسند الشهاب، ۱۷۰.

نظر شخصیت انسان‌های متعادل و سالم اجتماعی نیستند؛ زیرا انسان‌های سالم و با شخصیت اجتماعی هر چند که در فقر و فاقه به سر برند، به سوی پدیده تکدی‌گری روی نمی‌آورند.

قرآن برای این که مسئله تکدی‌گری را حل کند و یا به آن دامن نزند، از مومنان دارا می‌خواهد که نخست به مؤمنان عفیف و بی‌نویان با شخصیت توجه کنند و از سوی دیگر با ستایش ایشان مردم را به سوی ایشان ترغیب و تشویق می‌کند که چنین رفتاری را در صورت گرفتاری سرمشق قرار دهند و از سوی دیگر نیز از مؤمنان می‌خواهد که از جهل و تحلیل نادرست بیرون آیند و با تحلیل و بررسی اوضاع خود و اجتماع، به فقیران عفیف کمک کنید تا آنان به خاطر افزایش بی‌نوبی در خطر تکدی‌گری نیافتند و به این وسیله به تکدی و گدایی پروری دامن زده نشود.^۷

خداوند متعال در آیه ۲۷۳ سوره بقره در رابطه با نیازمندان واقعی عنوان داشته است ﴿لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِلْحَافًا وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ﴾^۸

این صدقات برای آن دسته از نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده اند، و نمی‌توانند (برای تأمین هزینه زندگی در زمین سفر کنند) از شدت خویشستن داری، فرد بی اطلاع، آنان را توانگر مبیندارد. آن‌ها را از سیمای شان می‌شناسی. با اصرار، چیزی از مردم نمی‌خواهند و هر مالی به آنان انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است.

همچنین در آیه ۱۰ سوره ضحی در این رابطه آمده است ﴿وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ؛ و گدا را مران﴾ و در آیه ۳۶ سوره مبارکه حج نیز آمده است ﴿فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْقَنَاعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاَهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾

چون به پهلو در غلتیدند از آن‌ها بخورید و به تنگدست سائل و به بینوای غیر سائل بخورانید این گونه آن‌ها را برای شما رام کردیم امید که شکرگزار باشید.

بنابراین راهکار قرآن را می‌توان در چند چیز خلاصه کرد: اول آن که تکدی‌گری را مساله فرهنگی و اجتماعی بدانند؛ دوم آن که با مساله از راه تشویق و ترغیب به خودداری از گدایی برخورد کنند؛ سوم آن که افراد ثروتمند را

^۷ یوسف قرضاوی، مشکاة الفقر و کیف عالجهای الإسلام (بیروت: دار الفکر، ۱۴۲۸)، ۱۷۸.

^۸ البقرة، ۲/۲۷۳.

به موقعیت و مسایل اجتماعی آگاه سازند و آن را با این مسایل درگیر کنند؛ چهارم آن که با پرداخت و کمک مالی به فقرای عقیف از گسترش تکدی گری و گدا پروری جلوگیری به عمل آورند.

دیدگاه سنت نبوی در مورد گدایی

سوال یا مسئله و طلب کردن چیزی از نظر شریعت اسلام در صورت عدم احتیاج شدید حرام است، زیرا گدایی به شکل حرفوی منافی عزت و کرامت انسانی بوده از بین برنده مروت و شهامت می باشد، روحیه جهاد و اجتهاد را از بین می برد، انسان را از سعی در طلب رزق از طریق حلال باز می دارد و او را به خوردن مال حرام عادت می دهد. اسلام براساس عزت، کرامت، عمل نیک، مروت و خوردن آنچه حلال بوده استوار است. مسلمان باید برای کسب رزق حلال سعی نماید، از حق مشروع خود در دنیا استفاده کند، کاری که انجام می دهد بخوبی و اخلاق به پیش برده برای خود و دیگران سبب منفعت، گردد. با برادر مسلمان خود، مردم و جامعه که در آن حیات بسر می برد، متعاون و همکار باشد. گدایی و سوال کردن بدون ضرورت و احتیاج شدید برای شخصی که توان کار و کسب را داشته باشد، از نظر اسلام حرام و نادرست است، از حضرت عبیدالله بن عدی بن خیار روایت است که فرمود «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَدِيِّ بْنِ الْخِيَارِ قَالَ أَخْبَرَنِي رَجُلَانِ أَنَّهُمَا أَتَيَا النَّبِيَّ ﷺ فِي حَجَّةِ الْوُدَاعِ وَهُوَ يَقْسِمُ الصَّدَقَةَ فَسَأَلَاهُ مِنْهَا فَرَفَعَ فِينَا الْبَصَرَ وَخَفَضَهُ فَرَأْنَا جَلْدَيْنِ فَقَالَ «إِنْ شِئْتُمَا أُعْطِيْتُمَا وَلَا حَظَّ فِيهَا لِغَنِيِّ وَلَا لِقَوِيٍّ مُكْتَسِبٍ»^۹.

عبیدالله بن عدی می گوید: دو شخص بمن خبر دادند که آن ها نزد رسول الله ﷺ در حجة الوداع آمدند، در حال که رسول الله ﷺ مال صدقه را توزیع می کرد، آن ها از پیامبر ﷺ از مال صدقه سوال کردند، پیامبر ﷺ به دقت از پایان تا بالا ایشان را نگریست و فرمود: اگر می خواهید به شما می دهم؛ ولی در مال صدقه (زکات) حصه بی برای شخص ثروت مند و توانمند وجود ندارد، همچنان از حضرت ثوبان - رضی الله عنه - روایت است که پیامبر ﷺ فرمود:

«عَنْ ثَوْبَانَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ «مَنْ تَكْفَلَ لِي أَنْ لَا يَسْأَلَ النَّاسَ شَيْئًا وَأَتَكْفَلَ لَهُ بِالْجَنَّةِ»^{۱۰}.

کسی که به من تضمین بدهد تا از مردم چیزی نخواهد (سوال و گدایی نکند) من به وی بهشت را ضمانت می کنم. و در حدیث مفصل ابی عبدالرحمن عوف بن مالک اشجعی آمده است که پیامبر - صلی الله علیه

^۹ سلیمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشیر بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني أبو داود، سنن أبي داود، تحقيق. محمد محيي الدين عبد الحميد (بيروت: المكتبة العصرية، بی تا)، "الزكاة"، ۲۴.

^{۱۰} أبو داود، سنن أبي داود، "الزكاة"، ۳۸.

وسلم - وقتیکه از صحابه کرام - رضی الله عنهم - بیعت می گرفت در جمله چیزی که ایشان بیعت می کردند این هم بود که «ولا تسألوا الناس شیاً»^{۱۱}.

این که از مردم چیزی نخواهید (سوال و گدایی نکنید). حضرت عبدالله ابن مسعود از پیامبر ﷺ روایت می کند که فرموده است:

عَنْ ابْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«مَنْ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ فَأَنْزَلَهَا بِالنَّاسِ لَمْ تُسَدَّ فَاقَتُهُ»^{۱۲}.

آن که دچار تنگدستی شود و آن را به مردم پیش کند (سوال و گدایی کردن) حاجتش هرگز رفع نخواهد شد. از مجموع روایات و احادیث شریف بر می آید که گدایی و سوال کردن بدون حاجت و ضرورت شدید حرام است، شخصیت مسلمان را سزاوار نیست که به آن دست بزند.

آنچه در فقره گذشته از حرمت مطلق گدایی و سوالگری تذکر رفت، اصل است به این معنی که گدایی خواری ذلت، حقارت و تنبلی را به میان می آورد و روحیه، بذل مساعی و مجاهدت را از انسان می گیرد و این همه خصلت های اند، که در شأن مسلمان نمی زید و بر مسلمان است که دست بالا داشته باشد و دیگران را یاری رساند، اما در حالات استثنایی و ضرورت شدید جهت بدست آوردن اهداف عالی و سد نیازمندی، در چند صورت به خصوص سوال و گدایی جایز است؛ در مورد حدیثی از پیامبر ﷺ را تذکر می دهیم: از حضرت ابوبشر قبیصه بن مخارق - رضی الله عنه - روایت است که فرمود: من باری را بر دوش داشتم و خدمت رسول الله آمدم، تا در مورد از ایشان چیزی بطلبم، آن حضرت ﷺ فرمود: اینجا باش تا صدقه ای بما برسد و چیزی از آن برایت بدهم و سپس فرمود:

«يَا قَبِيصَةُ إِنَّ الْمَسْأَلَةَ لَا تَحِلُّ إِلَّا لِأَحَدٍ ثَلَاثَةٍ رَجُلٍ تَحْمِلُ حَمَالَةً فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يَصِيْبَهَا ثُمَّ يَمْسِكُ وَرَجُلٍ أَصَابَتْهُ جَائِحَةٌ اجْتَا حَتْ مَالَهُ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى يَصِيْبَ قَوْمًا مِنْ عَيْشٍ - أَوْ قَالَ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ - وَرَجُلٍ أَصَابَتْهُ فَاقَةٌ حَتَّى يَقُومَ ثَلَاثَةٌ مِنْ ذَوِي الْحِجَابِ مِنْ قَوْمِهِ لَقَدْ أَصَابَتْ فُلَانًا فَاقَةٌ فَحَلَّتْ لَهُ الْمَسْأَلَةُ حَتَّى

^{۱۱} یحیی بن شرف النووی، ریاض الصالحین (کراچی: قدیمی کتابخانه، ۱۳۸۰)، ۲/۲۴۵.

^{۱۲} أبو داود، سنن أبي داود، "الزكاة"، ۲۵.

يَصِيبَ قَوْمًا مِنْ عَيْشٍ - أَوْ قَالَ سِدَادًا مِنْ عَيْشٍ - فَمَا سِوَاهُنَّ مِنَ الْمَسْأَلَةِ يَا قَبِيصَةَ سُحْتًا يَأْكُلُهَا صَاحِبُهَا سُحْتًا»^{۱۳}.

ای قبیصه هما ناسوال گری جواز ندارد، مگر برای یکی از این سه نفر:

۱ - برای شخصی که ضمانت و تاوانی را بر ذمه گرفته باشد آنها هم جهت برآورده ساختن يك هدف مشروع رفع خصومت و برداشتن نزاع و نفاق از میان دو جماعه از مسلمانان و این سوال تا وقتی به او جائز است که آن هدف برآورده شود.

۲ - برای شخصی که آفتی او را برسد تمام مال و زنده گی اش را هلاک سازد (مانند حادثه حریق، وقوع سیلاب و زلزله و غیره) برای چنین شخص گدایی تا وقتی جائز است که ضروریات اولیه زنده گی اش پوره شود و یا حداقل به (سد رمق) نجات از مردن به اثر گرسنه گی برسد.

۳ - برای شخصی که فقر و فاقه دامن گیرش گردد و سه نفر از اهل رسوخ قومش از فقر و تنگ دستی اش تصدیق کند، چنین شخص را سوال و گدایی تا حدی رواست که ضروریات زنده گی اش پوره و یا حداقل به (سد رمق) برسد در غیر این صورت ها سوال و گدایی نادرست و حرام است و سوال گر آنچه را از این طریق بدست می آورد خوردنش به وی حرام است.

مقصد از گدایی حرام و مذموم آن است که انسانی بدون ضرورت، مشکل فقر و فاقه به آن اقدام نماید و هدف اش از آن ثروت اندوزی، جمع آوری مال بدون زحمت و تکلیف خویش از دست مزد و دست رنج دیگران امرار معیشت کند. پیامبر ﷺ در مورد چنین فرموده است:

«مَنْ سَأَلَ النَّاسَ أَمْوَالَهُمْ تَكْثُرًا فَإِنَّمَا يَسْأَلُ جَمْرًا فَلْيَسْتَقِلَّ أَوْ لِيَسْتَكْثِرْ»^{۱۴}.

کسی که از مردم مال شان را بخواهد و (بواسطه سوالگری مالش را) زیاد کند همانا پاره های آتش را می خواهد پس بر اوست که کم می طلبد و یا زیاد.

گدایی برای شخصی که هدف آن ثروت اندوزی باشد در حالی که ضرورت شدید فقر و یا متحمل مسؤلیت مالی برای منفعت اجتماعی نباشد و آفات طبیعی هم ثروت و دارایی اش را هلاک نکرده باشد و در عین حال

^{۱۳} أبو الحسن بن الحجاج القشيري النيسابوري مسلم، المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم، تحقيق.

محمد فؤاد عبد الباقي (بيروت: دار إحياء التراث العربي، بی تا)، "کتاب الزکاة"، ۱۰۹.

^{۱۴} مسلم، المسند الصحيح، "کتاب الزکاة"، ۱۰۵.

توان کار و کسب حلال و بدست آوردن مایحتاج زنده گی خویش را از راه غیر از گدایی داشته باشد سوال گری و گدایی به همچو شخص شرعاً نادرست و حرام است.

مهم ترین اسباب گدایی

انگیزه های مختلف، باعث به میان آمدن مرض گدایی می شود که در ذیل از آن ها تذکر می رود.

الف) فقر و تنگ دستی:

فقر يك پدیده تازه نیست بلکه این مشکل گریبان گیر همه جوامع بشری در طول تاریخ بوده و آن مشکل خطرناکی است که مشکلات دیگر از آن به وجود می آید، فقر عامل بسا جرم ها بوده و مصیبت های زیادی را بار می آورد و انسان را به سوی ارتکاب جنایت ها کشانیده باعث به هم خورده گی روانی و فکری می گردد، کانون خانواده گی را برهم می زند و آرامش خاطر و اطمینان را از بین می برد.

ایمان انسان را مورد خطر قرار می دهد و وسیله خطر به امنیت و آرامش جامعه شده سبب عقب مانده گی ملت ها می گردد عده بی زیادی از بشریت امروزی به گرسنگی که از فقر به وجود آمده دست و گریبان هستند، گرسنگی برادر مرگ است که بدن را از بین می برد، در اثر آن انسان چیزهای را به خود روا می دارد که در حالت سیری روا نمی دارد، اعمالی را مرتکب می شود که در غیر آن مرتکب نمی گردید. فقر پدر گرسنگی سرچشمه همه شقاوت ها است عامل بزرگ بدبختی و فتنه هایست که تاثیر بدی در زنده گی فرد و جامعه دارد. سبب هر فاجعه در زنده گی انسان و مصیبت در کانون خانواده و ریختن بنای يك ملت، عدم ثبات، آن همه و همه همین فقر است، هر نوع جرایم اخلاقی چون زنا، دزدی، قتل، دروغ و نفاق به این بیماری مزمن مربوط است. فقر ضربه یست بر پیکر دین و اساسات اخلاقی و سعادت بشری و این مرض بزرگ ترین دشمن بشریت است، برای زشت بودن فقر همین قدر کافیسست که آن حضرت با وجود کمال یقین تقوی و معرفت به خداوند ﷻ هر شام و سحر بلکه در پی هر نماز از آن پناه خواسته است و آن را به کفر در يك ردیف قرار داده و چنین می فرمود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ»^{۱۵} پروردگارا! از کفر و فقر و عذاب قبر به تو پناه می برم. و در حدیث دیگری پیامبر ﷺ می فرماید: «كاد الفقر أن يكون كفراً»^{۱۶}.

^{۱۵} أبو داود، سنن أبي داود، "الأدعية"، ۱۱۰.

^{۱۶} القضاة، مسند الشهاب، ۱/۳۲۴.

نزدیک است فقر که به کفر بیانجامد. حضرت علی - رضی الله عنه - می فرماید: اگر فقر شخصی می بود، آن را می کشتم. هرگاه فقر و ناداری دامن گیر فرد شود که توانائی جسمی و کار را نداشته باشد، از روی مجبوری به گدایی و سوال کردن روی می آورد. فقر آفت خطرناکی است که تاثیر بدی بر فرد و جامعه می گذارد. همچنان اثر منفی بر عقیده و ایمان، اخلاق، فکر، فرهنگ، خانواده و مردم می نهد که ذیلاً بیان می گردد:

ب) احساس حقارت:

یکی از انگیزه های گدایی در جوامع بشری، احساس، حقارت در برابر کار و حرفه است، بسا از انسان ها چنان اند که با وجود توانایی شان در برابر کار آن را حقیر می شمارند و کار کردن با دست را کسرشان تلقی می نمایند و گدایی کردن را نسبت بداشتن کار و حرفه ترجیح می دهند، هنگامی که انسان مدرك اقتصادی نداشته باشد و کار و حرفه را هم توهین به شخصیت خود بداند لاجرم برای رفع مشکل و به خاطر بدست آوردن قوت یومیه دست به گدایی می زند در این صورت این نوع انسان ها اگر از يك طرف کار کردن و داشتن حرفه را برای خودشان حقارت تلقی می کنند، در صورت دراز کردن دست به گدایی و سوالگری، حقارت بالاتر از آن را متحمل می شوند، اسلام این نوع انسان ها را به اشتباه کلی شان متوجه ساخته و از آن ها می خواهد که آبرویشان را به اثر سوالگری نریزند. و هم چنان توقع از دیگران نداشته باشند، همت عالی را از آن خود کنند و بکوشند به دیگران مساعدت کنند، دست بالا بهتر از دست پائین است، چنانچه پیامبر ﷺ می فرماید: «عَنْ حَكِيمِ بْنِ حِرَامٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: «الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى»».^{۱۷}

دست بالا (عطا کننده) نزد خداوند ﷻ بهتر است از دست پائین (گیرنده عطایا) است.

حرفه و پیشه موجب کسرشان انسان نمی شود، بسا از بنده گان مقرب خداوند ﷻ (انبیاء - علیهم السلام -) هر يك دارای پیشه بودند در حالی که در میان قوم و منطقه شان از شرف و کرامت خاص برخوردار بوده اند، پیامبر ﷺ فرموده است:

(إن داود كان زراداً وكان آدم عليه السلام حراثاً وكان نوح عليه السلام نجاراً و كان إدريس عليه السلام خياطاً و كان موسى عليه السلام راعياً).^{۱۸}

^{۱۷} مسلم، المسند الصحيح، "الصدقات"، ۳۳.

^{۱۸} محمد بن عبدالله حاكم النيشابوري، المستدرک علي الصحيحين (بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۹)، ۲/۲۵۶.

داود - علیه السلام - زره ساز، آدم - علیه السلام - دهقان و نوح - علیه السلام - نجار و ادريس - علیه السلام - خیاط و موسی - علیه السلام - چوپان بودند. و همچنان فرموده است:

(لأنَّ يَحْتَضِبَ أَحَدُكُمْ حُزْمَةً عَلَى ظَهْرِهِ خَيْرٌ مِنْ أَنْ يَسْأَلَ أَحَدًا، فَيُعْطِيَهُ أَوْ يَمْنَعَهُ).^{۱۹}

اگر یکی از شما پشتاره هیزمی بر دوش حمل کند، برایش بهتر است از این که از کسی چیزی بخواهد (سوال و گدایی کند) که بوی بدهد و یا از او منع کند.

ج) نبود کسب و کار

از علل رو آوردن به گدایی و سوالگری نبودن و نیافتن کار، کمبود زمینه های آن در جوامع بشری به شمار می رود، بسا انسان ها که به گدایی دست می زنند انگیزه کار خود را نیافتن کار و مهیا نبودن فرصت کار در وطن و منطقه شان تلقی می کنند، و چنان وانمود می سازند که زمینه کار اینجا مساعد نیست و توان سفر و مسافرت و دوری از اهل، فرزندان و نزدیکان را ندارند، ناگزیر به خاطر امرار معاش و بقای حیات خود و فامیل شان دست به گدایی زده اند. واقعیت این است که اگر انسان به ماهیت کار متوجه شود، کار عنقا و زمینه آن کوه قاف نیست که به دسترس انسان قرار نمی گیرد، و یا انسان نمی تواند به آن رسد، با توجه به این حقیقت انسان می تواند با جزئی ترین سرمایه زمینه کار را مساعد بسازد، بگونه‌ای که در عصر و زمان پیامبر ﷺ افرادی بودند دست به مسئلت و سوالگری می زدند که راه حل را پیامبر ﷺ به آن ها چنان بیان کرد و ایشان را صاحب کار ساخت.

شخصی از انصار مدینه نزد پیامبر ﷺ آمد و او کمک می خواست پیامبر ﷺ به وی گفت: در خانه چه داری؟ آن شخص گفت: نمطی دارم که نصف آن را می پوشم و نصف دیگر آن را زیر پایم می کنم و ظرفی که در آن آب می نوشم، پیامبر ﷺ فرمود: آن ها را بیار، آن شخص آن ها را آورد؛ پیامبر ﷺ فرمود: چه کسی این ها را اضافه از يك درهم می خرد؟ دو سه بار تکرار کرد، شخصی گفت: من آن ها را به دو درهم می خرم، ﷺ اجناس را به دودرهم به او داد، بعداً به شخص گدایی گر رو کرده گفت: يك درهم را غذا بخر و به خانه ببر و درهم دیگر را ریسمان و نزد من بیا، آن شخص چنان کرد؛ پیامبر ﷺ ریسمان را به چوبی محکم بست و فرمود: برو چوب جمع آوری کن و به بازار بفروش و پانزده روز تو را نبینم، آن شخص به جمع آوری چوب مشغول شد، روزی آمد که ده درهم از جمع آوری چوب و فروش آن با او بود؛ پیامبر ﷺ فرمود: به آن برایت

^{۱۹} أبو عبد الله محمد بن إسماعيل البخاري، الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه، تحقيق. محمد زهير بن ناصر ابن ناصر (بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲)، "باب كسب الرجل وعمله بيده" ۱۵.

غذا و لباس تهیه کن و در آخر فرمود: اینکار برای تو به عوض آن که گدایی کنی بهتر است، از این که در روز قیامت داغ به رویت باشد. گدایی برای شخصی است که کار نتواند، قرضدار باشد و مسؤل پرداخت خون بها و دیت باشد.^{۲۰}

این کار بیانگر آن است که جمع آوری چوب اگرچه پر مشقت و فایده اش کم است، باز هم از نظر اسلام از گدایی و بار دوش بودن دیگران ارزشمند است، زیرا بیکاری و عاجزی و خواستن از دیگران بدون کدام دلیلی نه تنها نادرست است، بلکه از آفات اجتماعی به شمار می رود که سبب زیان اقتصادی به فرد و جامعه می گردد.

اسلام کار و عمل را تقدیر و احترام می کند و دور کردن چیزهای زیان آور را از راه، شاخه های ایمان می داند، دین مقدس اسلام انسان را به هجرت و مهاجرت به خاطر بدست آوردن رزق تشویق می کند و مسافرت به خاطر کسب و طلب روزی را مساوی به جهاد فی سبیل الله می داند، قرآن کریم می فرماید:

﴿وَأَخْرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يقاتلونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^{۲۱}

برخی سفر می کنند در زمین می طلبند فضل خدا (رزق) را و دیگران می جنگند در راه خدا.

د) تکیه به صدقات و خیرات دیگران:

یکی از علل و اسباب گدایی، اعتماد يك عده مردم به صدقات و خیرات است، آنانی که انتظار دارند ممکن است از طریق اخذ صدقات و خیرات مایحتاج زنده گی شان پوره شود و در انتظار بدست آوردن آن می نشینند، قوت و استعداد بشری شان را که باید از آن کار می گرفتند و از آن خودشان و هم مردم و افراد جامعه را مستفید می گردانیدند، معطل قرار می دهند شاید برای يك مدت خیرات و صدقات از طرف یکتعداد افراد و انسان های خیراندیش برایشان برسد و امرار معاش نمایند، اما اینکار چنان مداوم نیست، بعد از گذشت يك مدت شخص صدقه کننده شاید جهت اعطای صدقات و خیرات را تغیر دهد و برای این اشخاص ندهد، این اشخاص در انتظار چنان طمع نشسته بودند، استعداد و توان بشری را هم از دست داده اند، ناچار دست به گدایی و سوالگری می زنند و حقیقتاً بار دوش جامعه می گردند.

^{۲۰} ولی الدین محمد بن عبدالله الخطیب، مشکاة المصابیح (کوئته: مکتبه حنیفه، ۱۹۹۹)، ۱۶۳/۲.

^{۲۱} المزمّل، ۲۰/۷۳.

سوال کردن این افراد شرعاً مجاز نیست و از طرفی نظر به ارشادات پیامبر ﷺ اعطای صدقات، زکات و خیرات به این افراد درست نیست. چنانچه پیامبر ﷺ فرموده است که عبدالله بن عدی بن خیار می گوید:

دو شخص بمن خیر دادند که آن ها در حجة الوداع نزد رسول الله ﷺ آمدند، در حالی که او ﷺ مال صدقه را توزیع می کرد، آن ها پیامبر ﷺ را از مال صدقه سوال کردن، پیامبر ﷺ به دقت از پایان تا بالا ایشان را نگریست، آن ها را قوی و توانمند کار یافت و فرمود: اگر می خواهید به شما می دهم ولی در مال صدقه (زکات) حصه برای شخص ثروت مند و توان مند کار نیست.

و همچنان شخصی که توان کسب و کار را داشته باشد و خود را به تنبلی بیندازد استعداد و توانائی اش را عاطل و باطل بسازد و دست به گدایی دراز کند در حقیقت دروازه فقر را بروی خود گشوده است، ارشاد پیامبر ﷺ در مورد چنان است:

«وَلَا فَتَحَ عَبْدٌ بَابَ مَسْأَلَةٍ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ»^{۲۲}.

هیچ انسانی دروازه سوال و گدایی را به روی خود نمی گشاید، مگر این که خداوند دروازه فقر و ناداری را بروی او می کشاید. بناً در روشنائی مفاهیم فوق گفته می توانیم، آن که دروازه گدایی را گشود علاوه برین که آبرو و عزت خود را از دست داده است برای همیشه در ناداری و تنگدستی به سر می برد روی غنا و ثروت مندی را نخواهد دید.

ه) انگیزه های دیگرگدایی:

علاوه به آنچه گفته شد، مسائل دیگری هم است که در بروز مرض گدایی در جوامع بشری موثر است که از آن جمله زمین لرزه ها، آتش فشان ها، سیلاب ها، و طوفان های خانماسوز و خشک سالی ها، قحطی ها، امراض زراعتی و حیوانی، جنگ ها، تعلیم و تربیه نا درست، سیاست اقتصادی نامنظم و پیروی از عادات نادرست و ازدیاد تعداد بیکاران در جوامع که از وسایل فقر به شمار می روند و در نتیجه منجر به گدایی و سوال گری می شوند، می باشد.

^{۲۲} أبو عیسی محمد بن عیسی بن سورۃ بن موسی بن الضحاک الترمذی، سنن الترمذی، تحقیق. بشار عواد معروف (بیروت: دار الغرب الإسلامی، ۱۹۹۸)، "الزهد"، ۱۷.

آثار و بی آمدهای گدایی

سوال کردن و گدایی عیب های زیاد و اضرار بزرگ و آثار بس خطرناک در دنیا و آخرت دارد که در ذیل از پاره آن ها یاد آوری می شود:

آثار فردی گدایی:

گدایی حیا را که شعبه از ایمان است از بین می برد، انسان عزت، کرامت، قیمت، و ارزش خود را از دست می دهد و باعث بدبختی و شقاوت انسانی می گردد، و عار و ننگ را برای انسان به بار می آورد، زیرا وی حاجت خود را از غیر خدا خواسته است بدون آن که کاملاً عاجز و درمانده بوده و احتیاج زیاد داشته باشد، مردم شخصی را که همیشه دست سوال و گدایی را به مردم دراز می کند بدیده حقارت می نگرند، از این جاست که لقمان حکیم برای پسرش گفت:

پسرم خود را به کسب حلال، غنی ساز و کمتر از مردم اند که محتاج و فقیر شوند که به آن ها سه خصلت نرسد، سستی در دین، ضعف در عقل و ضیاع در مروت و مردانگی، بزرگ تر از همه آن که مردم او را حقیر می دانند.^{۲۳}

گدایی و فقر عزت و کرامت را از انسان می رباید، عادتاً مردم ثروتمندان را محترم و گدایان و فقراء را توهین کرده حقیر می شمارند، گدایی و فقر از انسان مروت و مردانگی و عفت را سلب می کند و انسان را به انجام اعمال خسیس و پست و می دارد، امام ابن قیم جوزی - رحمه الله - می گوید: شخص سوال گر با سوال و گدایی از سه جهت مرتکب ظلم می شود: ظلمی در حق ربوبیت پروردگار، ظلمی در برابر مسؤل (سوال کرده شده) و ظلمی در حق خود.^{۲۴}

ظلم او در برابر ربوبیت پروردگار آنست که عجز فقر، و طلب کمک نوعی از عبادت شمرده می شود و خواستن آن، از غیر خدا ظلم، در حق ربوبیت پروردگار و توحید و اخلاص نسبت به خداست؛ اما ظلم او در برابر مسؤل یا سوال کرده شده این است که وی را در معرض مشقت قرار داده است، اگر به او چیزی بدهد همراه با کراهیت و ناخوشی است و اگر برایش ندهد خود را در معرض ملامتی، حیا و چشم پوشی قرار داده است. گدا

^{۲۳} أحمد بن محمد بن عبد الرحمن المقدسي إبن قدامة، مختصر منهاج القاصدين (بيروت: دارالهجرة، ۱۹۸۹)، ۱/۸۲.

^{۲۴} عبدالواحد جهيد، نقش اسلام در جلوگیری از گدایی (بی دی اف: بی نا، ۱۳۸۵)، ۸۷.

هر قدر تلاش در بدست آوردن مال از طریق سوال گری نماید، روی بی نیازی را نمی بیند و نه هم در کار و تلاش وی برکت می باشد، پیامبر ﷺ فرموده است:

«لَا تُلْحِفُوا فِي الْمَسْأَلَةِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَسْأَلُنِي أَحَدٌ مِنْكُمْ شَيْئًا فَتُخْرِجَ لَهُ مَسْأَلَتُهُ مِنِّي شَيْئًا وَأَنَا لَهُ كَارِهِ فَيُبَارِكَ لَهُ فِيمَا أُعْطِيَتْهُ»^{۲۵}.

در سوال اصرار و الحاح نکنید، سوگند به خدا ﷻ چیزی نمی خواهد یکی از شما از من که به اثر سوالش از من چیزی را برایش بیرون سازد و من ناراض باشم و آن چیزی که بدست آورده است بابرکت باشد. یعنی آن چه به وسیله سوال و گدایی بدست می آید، خیر و برکت در آن نمی باشد.

هر شخصی که برای همیشه فقیر باقی می ماند و اگر رفع مشکل و ضرورت خویش را از خداوند ﷻ بخواهد خداوند ﷻ دروازه بیرون رفت از این معضله را برایش می گشاید، پیامبر اسلام فرموده است: آن که دچار تنگدستی شود و آن را به مردم پیش کند، تنگدستی اش رفع نمی شود و آن که آن را به خدا پیش کند، به زودی خداوند برایش رزقی زود رس و یا دیر رس خواهد رسانید.^{۲۶}

مفهوم حدیث شریف این است، آنکه به گرسنگی و مشکلات اقتصادی روبرو شود و خواسته باشد با سوال و گدایی از این و آن اظهار نیاز به این و آن حل مشکل نماید، هرگز به هدفش نمی رسد و مشکلات او حل نمی شود؛ اما آنکه مشکلات خود را به خداوند کریم و مهربان عرض کند و از او تعالی حل مشکل خود را طلب نماید خواهی نخواهی دیر و یا زود مشکل او حل می شود.

دوکتور یوسف قرضاوی می گوید: از واجبات ولی امر مسلمین است که هر شخص صحت مند که توان کار را داشته باشد و می خواهد از طریق گدایی و سوال امرار معاش نماید و خود را بار دوش جامعه سازد، سرزنش کند و سوال کردن به چنین افراد معصیت به شمار می رود و هر آن معصیت که حد معین و مقدر از طرف شریعت ندارد حاکم مسلمان حق تعذیر مناسب را مطابق بحال معصیت دارد. لازماً ایشان را تعزیر نماید، تا از سوال کردن اجتناب نماید.^{۲۷}

^{۲۵} الخطیب، مشکاة المصابیح، ۲/۱۶۲.

^{۲۶} أبو داود، سنن أبي داود، "الزكاة"، ۱۲.

^{۲۷} قرضاوي، مشكلة الفقر و كيف عالجها الإسلام، ۴۸.

آثار اجتماعی گدایی:

اشخاصی که سوال می کنند بار دوش جامعه می باشند این وضع مشکلات جامعه را افزایش می دهد کسالت، تنبلی و توکل را منتشر می سازد، شهامت و همت عالی را از بین می برد، ثروت مادی و ادبی مردم را کاهش می دهد، سخاوت مندان از کمک به آن ها خود داری می کنند، مردم از همچو اشخاص نفرت می نمایند این عده افراد دیگران را در جاده ها و سړک ها و محلات تجارتي و وسایل مواصلاتی و دهلیز ها مزاحمت می نمایند، در مساجد نماز گذاران را به تشویش انداخته خشوع آن ها را برهم می زند قلب های آنان را از قهر و خشم پر می سازند.

گدایی سبب اصلی عقب مانده گی و مانع پیشرفت و تقدم است، لانه فساد برای انتشار جرایم و جنایات، مصدر و منشاء شرارت و بی قانونی و بی امنیتی است گدایان دستیار استعمار و یکی از عواملی اند که متجاوزان را کمک و همکاری نموده به آن ها دست مساعدت دراز می کنند تا وطن را به تصرف خود درآورند، چطور می تواند شخصی از سر زمین خود دفاع نماید در حالی که قدر و عزت خود را نمی داند و آن را از دست داده است چطور ملتی می تواند ارتقاء یابد که او معیار عار و عقب مانده گی است.^{۲۸}

آثار اخروی گدایی:

گدایی همچنان که در دنیا از قبایح اجتماعی است وقار و حیثیت انسان را از بین می برد، در روز آخرت هم شخص گدایی گر که چاره بدون آن برای امرار حیات داشت، نزد خداوند ﷻ به چهره حاضر می شود که همه او را می شناسند و در روی او قطعه گوشت موجود نمی باشد، پیامبر ﷺ فرموده است:

«لَا تَزَالُ الْمَسْأَلَةُ بِأَحَدِكُمْ حَتَّى يَلْقَى اللَّهَ وَكَيْسَ فِي وَجْهِهِ مُزْرَعَةٌ لَحْمٍ».^{۲۹}

شخصی همواره با خواهش کردن از دیگران کارش را انجام می دهد تا آن که نزد خدا می آید در حالی که در رویش پاره گوشت نیست.

به این معنی که خداوند جمال صورت و عزت آن را از بین می برد همین گونه آن شخص فاقد جمال معنوی و آبرو نیز می باشد، نزد خداوند بروز قیامت مقام و منزلت داشته نمی باشد همچنان پیامبر ﷺ فرموده است:

^{۲۸} قضاوی، مشکلة الفقر و كيف عالجهما الإسلام، ۵۱.

^{۲۹} مسلم، المسند الصحيح، "الزكاة"، ۱۰۳.

کسی که به واسطه سوال و گدایی مالش را زیاد می کند همانا پاره‌های آتش را می خواهد بر اوست که کم می طلبد و یا زیاد، پس گدایی در دنیا موجب ذخیره آتش دوزخ در آخرت می شود.

قاضی عیاض در شرح این حدیث می نویسد: این چنین شخص با آتش دوزخ عذاب می شود. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است:

«مَنْ سَأَلَ وَعِنْدَهُ مَا يُغْنِيهِ فَإِنَّمَا يَسْتَكْثِرُ مِنْ جَمْرِ جَهَنَّمَ».^{۳۰}

آن که از مردم می خواهد و حال آن که نزد او چیزی است که او را کفایت هر آینه از آتش دوزخ برای خودش می افزاید.

راه های درمان گدایی

گدایی از نظر اسلام يك مرض اجتماعی است که در اثر فقر و ناتوانی، عدم موجودیت زمینه کار و از بی احساسی اولیا امور و عدم توجه سرمایه داران به مکلفیت های اجتماعی شان و مهمتر از همه جهل و بی علمی به میان می آید، دین مقدس اسلام، اگر از يك طرف گدایی و عامل آن را که فقر است نکوهش می کند و از جانی هم برای علاج این مرض مهلك اجتماعی وسایل و اسباب دارد که در نکات زیر از آن یاد آوری می شود:

ایجاد روحیه اعتماد به نفس:

مهم ترین چیزی برای جلوگیری از گدایی و سوالگری بلند همتی، اعتماد به نفس، در همه عرصه های زنده گی است، ارتکاب اعمال نا درست از پست همتی سستی و تنبلی به وجود می آید، و هر انسان که همت عالی داشته باشد از سستی، تنبلی و پست همتی نجات می یابد و هرگز به گدایی دست نمی زند. سستی و تنبلی امراضی اند که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن ها به خدا پناه برده و می فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْهَمِّ وَالْحَزَنِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَجْزِ وَالْكَسَلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ غَلَبَةِ الدَّيْنِ وَقَهْرِ الرِّجَالِ».^{۳۱}

پروردگارا! از هم و غم به تو پناه می برم، از ناتوانی و تنبلی و از ترس و بخل و از گرانی قرض و قهر مردمان به تو پناه می برم.

^{۳۰} أبو داود، سنن أبي داود، "الزكاة"، ۴۲.

^{۳۱} أبو داود، سنن أبي داود، "الإستعاذة"، ۳۲.

ایجاد روحیه خود کفائی انسان را بلند همت می سازد، در همه اوقات دستان بالا و بلند همت نسبت به دستان پائین و پزیزنده صدقات برتر اند. پیامبر ﷺ فرموده است:

«الْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى»^{۳۲}.

دست بالا (هدیه کننده) بهتر است از دست پائین (قبول کننده هدایا).

قناعت پیشه گی:

انسان با ایمان به رزقی که خدا برایش مقرر کرده راضی است، امتیازات و برخورداری های که خداوند به او داده او را راضی می گرداند؛ زیرا به عدالت خدا در تقسیم روزی ایمان دارد حکمت او را در توزیع برخورداری ها قبول دارد و رحمت را در نعمات و محبت های که به بنده گانش ارزانی داشته است باور دارد. به این که خداوند متعال هیچ کاری را بیهوده انجام نمی دهد و در هیچ موردی از قضا و قدرش دشواری و سختی برای بنده گانش نمی خواهد و خدای سبحان نسبت به بنده گانش، از مادر، نسبت به فرزندش مهربان تر است، و خیر در متن همان چیزهای که ما آن ها را مصیبت و بدی می دانیم و می شناسیم و به طبیعت بشری از آن ها ما را خوش نمی آید درهم پیچیده است. خداوند می فرماید:

﴿فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا﴾^{۳۳}.

پس بسا چیزهای را که خوش ندارید و خداوند در آن خیر فراوان قرار داده است.

همین معنی قناعت است، قناعت به معنی رضایت دادن به کاستی ها پذیرفتن يك زنده گی توأم با ذلت و خواری، سست همتی در بدست آوردن امتیازات برتر و می رانیدن تمایلات ترقی طلبانه مادی و معنوی و تجلیل و تمجید از گرسنگی و فقر و محرومیت نیست، قناعت هرگز رابطه به این توهمات ندارد.

از نظر شریعت اسلامی قناعت به دو معنی استعمال می شود:

الف: حرص نداشتن به امور دنیوی، انسان طبیعتاً حرص شدید به دنیا دارد، هرگز سیر شدنی و دست برداشتنی از آن نیست چنانچه پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی فرموده است:

^{۳۲} مسلم، المسند الصحيح، "الزكاة"، ۳۳.

^{۳۳} النساء ۴/۱۹.

«لَوْ كَانَ لِابْنِ آدَمَ وَادِيَانِ مِنْ مَالٍ لَابْتَغَى ثَالِثًا، وَلَا يَمْلَأُ جَوْفَ ابْنِ آدَمَ إِلَّا التُّرَابُ».^{۳۴}

اگر آدمی زاد دو بیابان آگنده از طلا داشته باشد، سومی را می طلبد و چشم آدمی زاد را جز خاک چیزی دیگر پر نمی کند. با چنین حرص شدید مبارزه کردن و از آن صرف نظر کردن را قناعت گویند.

ب: معنی دیگر قناعت اینست که انسان به چیزهای که خدا به او داده و نمی تواند آن ها را تغییر دهد راضی باشد و در محدوده دادهای خدا و مقدرات زنده گی اش نشاط و فعالیت داشته باشد و در زنده گی تمنای چیزهای را که برای او میسر نیست نکند، و به سوی نعمات که دیگران دارند و او ندارد سرک نکشد، بگونه مثال: پیر مردی نباید تمنای نیرو حرارت جوانی کند، و خانمی که از زیبایی بهره ندارد آرزوی حسادت و بدخواهی به خانم های زیبا نگاه نکند و آن جوان کوتاه قد نباید با حسرت و افسوس به آن آقای قد بلند بنگرد، بیابان نیشنی که در قطعه زمین خشک و بایر زیست می کند نباید وسایل رفاه و زنده گی بی درد سر شهر نیشنان را طمع کند.^{۳۵}

اعتقاد به مقدرات الهی:

بر مسلمان است به مقدرات الهی عقیده راسخ داشته باشد و بداند آن چه از جانب خداوند مقدر است خواهد رسید، انسان نمی تواند به تلاش آن چه در نصیب اش نیست مالک آن شود، و بداند و معتقد باشد برین که آن چه به او داده نشده، به خیرش بوده است زیرا؛ خداوند مالک دل ها و عالم به همه احوال انسان هاست، شاید در آن چه که انسان را از آن محروم ساخته خیری نهفته باشد و خداوند به آن آگاه و انسان از آن غافل است.^{۳۶}

ادای زکات و توزیع عادلانه آن:

زکات یکی از فرائض اسلام و رکن سوم از ارکان پنجگانه آن است. زکات حق فقیران بر ثروت مندان بوده و پرداختنش به آنان لازم است و مقام و منزلت فقیران در آن بزرگ گردانده شده آن ها احساس می نمایند آن چه را که از ثروت مندان می گیرند حق خود آن ها است، نه گدایی، و طلب کمک و نه ذلت و ایشان این فرض خدا را با عزت و کرامت می گیرند، از جانب دیگر اغنیا حق ندارند که در پرداخت این وجبیه به فقیران کدام منت و احسان بگذارند، زیرا پرداختن زکات همانند دین و یا قرض است که باید پرداخته شود در این صورت

^{۳۴} البخاری، الجامع الصحیح، "الرفاق"، ۱۰.

^{۳۵} جهید، نقش اسلام در جلوگیری از گدایی، ۱۲۰.

^{۳۶} جهید، نقش اسلام در جلوگیری از گدایی، ۱۲۱.

فقیران احساس آن را نمی کنند که از سیر کاروان جامعه عقب مانده اند و یا دور و منزوی شده اند و ثروت مندان هم احساس نمی کنند که در پرداخت زکات مجبور کرده شده اند و یا این که در گرداب کشمکش ها و درگیری ها افتیده اند.

زکات يك وسیله ایجابی و تعاون و همکاری بین افراد جامعه با يك دیگر است، زیرا اغنیا به درخواست و رضایت خود و به منظور امتثال از امر خداوند و خوشنودی او این وجیهه را آدا می نمایند. زکات احسان غنی بر فقیر نیست بلکه حق اجتماعی است که زیر مراقبت دولت توزیع می شود و از جمله مالیات است که دولت از مردم می ستاند. قرآنکریم در این مورد می فرماید:

﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾. ۳۷

و در مال هایشان حق است برای سوال کننده گان و محرومان.

زکات در اسلام عبادت مالی است حکمت اساسی آن را پاك نمودن نفس ها از بخل، خود پسندی، دوستی مال، تجاوز بر حقوق ناداران و سنگدلی، تزکیه و نمو، با برکت ساختن مال، خوشنودی خداوند از زکات دهنده و قبول آن، در نزد خدا، همدردی با ناتوانان، دعا های آن ها به زکات دهنده است، خداوند این حکمت بزرگ و اساسی را در قرآن تذکر داده است و به پیامبر ﷺ چنین می فرماید:

﴿خُدْمِنَ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ﴾. ۳۸

از اموال آنان صدقه ای بگیر تا به وسیله آن پاك و پاکیزه شان سازی و برایشان دعا کن زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است و خدا شنوای داناست.

در پرداختن زکات دو مصلحت در نظر گرفته شده است یکی آن مربوط به خود شخص است که با پرداختن زکات نفس او پاك شده بخل و چشم تنگی اش از بین می رود. و مصلحت دیگر آن به جامعه تعلق می گیرد که خواه ناخواه در جامعه نیازمندان وجود دارند که از این طریق کمک می شوند در واقع زکات به مثابه مؤسسه اجتماعی است که حقوق کلیه اشخاص و گروه های را که در جامعه اسلامی حیات به سر می برند در نظر می گیرد تا زنده گی با کرامتی را برایشان محقق سازد.

۳۷ الذاریات، ۵۱/۱۹.

۳۸ التوبة، ۹/۱۰۳.

زکات سرمایه داران را وادار می سازد که ثروت خود را در بخش های سرمایه گذاری بکار اندازند که این خود رشد اقتصادی را بار آورده و به پیکر فرسوده اقتصادی جان می بخشد، هرگاه ثروت مندان به سرمایه گذاری نپردازند و از آنجا که زکات همه ساله پرداخته شده و از راه آن دونیم درصد سرمایه ثروت مندان به سود فقیران و ناداران می افتد و ثروت مندان در مدت چهل سال همه ثروت و دارای خود را از دست خواهند داد، بنابر آن زکات طبقه ثروت مند را به سرمای گذاری تشویق می نماید، تا از نابودی و زوال ثروت شان جلوگیری به عمل آید.^{۳۹}

یکی از مسئولیت های مهم دولت گرفتن زکات و پرداختن آن به مستحق آن است، زکات یکی از ارکان اسلام را محکم و قایم می سازد، روی این ملحوظ امیر المؤمنین ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - با کسانی که از پرداخت زکات ابا ورزیدند جنگید.

جمهور علماء مسلمین بر آن اند که مراد از (صدقه) در آیه فوق زکات است، پیامبر ﷺ و آنانی که بعد از وی امور مسلمین را بدوش دارند مخاطب به جمع آوری آن اند. و همچنان پیامبر ﷺ وقتی که معاذ بن جبل - رضی الله عنه - را به حیث مسؤل و امیر به یمن فرستاد برایش فرمود:

«فَاعْلَمَهُمْ أَنَّ اللَّهَ افْتَرَضَ عَلَيْهِمْ صَدَقَةً فِي أَمْوَالِهِمْ ، تَتَّخَذُ مِنْ أَعْيَانِهِمْ وَتُرَدُّ عَلَى فُقَرَائِهِمْ».^{۴۰}

آگاه بساز ایشان را که خداوند ﷻ بر آن ها زکات را فرض گردانیده که از ثروتمندان گرفته و به مستمندان داده می شود، اگر از تو در این مورد اطاعت کردند آگاه باش که از گرفتن مال های خوب و پر قیمت آن ها را پرهیز نمائی، از آه مظلوم و ستمدیده بیم کن، زیرا در بین آه او و خداوند پرده و مانع وجود ندارد.

احیای صله رحم:

صله رحمی و احیای آن یکی از ویژه گی های دین مقدس و جاودان اسلام است که ادیان و مذاهب دیگر از آن بی بهره اند، از نظر اسلام افراد جامعه اسلامی عضو یک فامیل به شمار می روند، هر خیر و فلاح برای یک انسان به منفعت دیگر نیز می باشد و هر صدمه و ضرری به فردی بر دیگران بی اثر نمی باشد، از آنجاست که شریعت اسلام به احیا، تقویه و دوام صلهء رحم امر فرموده است و از قطع و آنچه باعث صدمه به آن می شود،

^{۳۹} عبدالکریم العسال، النظام الاقتصادي في الإسلام اهدافه ومبادئه (قاوه: مکتبه هبه، ۱۹۷۷)، ۱۲۱.

^{۴۰} البخاری، الجامع الصحیح، "الزکاة" ۱.

برحذر داشته است، خداوند می فرماید ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^{۴۱}

در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد به شما اندرز می دهد باشد که پند گیرید

و فرموده است ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا﴾^{۴۲}

ای مردم از پروردگارتان که شما را از نفس واحدی آفرید و جفتش را نیز از او آفرید و از آن دو مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد پروا دارید و از خدایی که به نام او از همدیگر درخواست می کنید پروا نمایید و زنهار از خویشاوندان مبرید که خدا همواره بر شما نگهبان است.

و همچنان پیامبر اسلام ﷺ فرموده است:

«وَمَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَصِلْ رَحِمَهُ»^{۴۳}

کسی که ایمان به خدا و روز آخرت دارد باید رحمش را وصل نماید (صلهء رحم داشته باشد) از ارشادات فوق برمی آید که موضوع صلهء رحم از نظر اسلام عمده و درخود توجه است و هر مسلمان متمول راست که در اجراء و تحقق آن بکوشد، زیرا؛ وصل نمودن رحم مساوی وصل شدن به رحمت پروردگار و قطع آن، موجب محرومیت از رحمت الهی می گردد.

صلهء رحم عبارت از مراد و حسن سلوک به اقارب ذی حق عصبی و نسبی در همه سطوح زنده گی است به طور خاص در حالت احتیاج و ضرورت ایشان، تنها رفت و آمد و احترام در حالت سرور خوشی و تقدیم تعزیت در مراسم عزاداری را صلهء رحم گفته نمی شود که در حالات احتیاج شدید و طاقت فرسا از آن ها دوری جسته شود.

ابن قیم جوزی - رحمه الله - می فرماید: بزرگ ترین قطع صلهء رحمی آنست که شخصی یکی از ذوی الارحام خود را در گرسنگی و تشنگی گرمی و سردی روزگار ببیند و لقمه نان و جرعه آبی و پارچه لباسی که ذریعه آن

۴۱ النحل، ۱۶/۹۰.

۴۲ النساء، ۴/۱.

۴۳ البخاری، الجامع الصحیح، "الإیمان" ۸۵.

سد رمق و رفع گرسنگی و تشنه گی ستر عورت نماید به او ندهد حال آنکه او برادر و یا کاکا، بچه کاکا، بچه خاله عمه اش است، اگر این قطع صلهء رحمی نیست پس قطع صلهء رحم چیست؟^{۴۴}

کارکردن:

کسب و کار از نظر اسلام وظیفه و مسئولیت طبیعی هر زنده جان است، لذا آن را اسلام برکسی که توانمند کار باشد واجب گردانیده است و همچنان کار و کوشش را تقدیر و تمجید می نماید، زیرا کار سبب حصول مال و به کارگرفتن مال امنیت در جامعه متحقق می شود و نیاز جامعه مرفوع می گردد. کار و عمل نخستین وسیله کسب رزق برای امرار حیات است که می توان آن را به درآمد نیز مسمی کرد که از این طریق انسان برای پوره ساختن احتیاجات خود می کوشد و از این راه سرمایه افراد، ملت ها به وجود می آید لذا عمل (کار) یکی از وسایل فطری انسان برای حصول رزق و بدست آوردن ثروت است و باید انسان به این خاطر سعی و تلاش کند که به درجات بلند ارتقا نماید، نیرومند و توانا شود و در فضای امنیت زنده گی نموده از گرسنگی، فقر، بیماری و ترس رهایی یابد.

هر فرد جامعه اسلامی مکلف است، کار کند و ماموریت دارد که هر طرف در زمین خداوند برود و از رزق خداوند بخورد طوری که خداوند می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾^{۴۵}

خداوند ذاتی است که زمین را برای شما مسخر گردانیده است بروید در گوشه و اکناف آن و از روزی پروردگار بخورید و به سوی او باز گردانیده و حشر می شوید.

رفتن و خوردن مستلزم کار و فعالیت است بدون کار و فعالیت بدست آوردن رزق و خوردن ممکن نیست. خداوند انسان را به کار و کوشش و زحمت کشیدن جهت بدست آوردن مایحتاج زنده گی اش در آیات متعدد امر فرموده است تا اینکه در (۳۶۰) آیه قرآنکریم راجع به کار و فعالیت صحبت به میان آمده است و در (۱۰۹) آیه از قرآن عظیم الشان لفظ فعل ذکر شده است که این همه نمایان گر تشویق از طرف خداوند و توجه به سوی کار و فعالیت است.^{۴۶}

^{۴۴} جهید، نقش اسلام در جلوگیری از گدایی، ۱۳۲.

^{۴۵} الملك، ۶۷/۱۵.

^{۴۶} سید جان بیان، درمان فقر از نگاه قرآنکریم (پشاور: مرکز نشراتی میوند، ۱۳۸۰)، ۲۱۱.

و فرموده است ﴿فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾. ۴۷

آنگاه که به پایان رسد نماز در زمین منتشر شوید و از روزی او تلاش کنید و خداوند را زیاد یاد کنید تا آنکه رستگار شوید.

دستورهای پیامبر اسلام در مورد کار:

ارشادات نبوی راجع به کار و تشویق به آن از حد و حصر خارج است و در اینجا صرف به ذکر يك حديث شريف اکتفا می کنیم. پیامبر ﷺ فرموده است: «مَا أَكَلَ أَحَدٌ طَعَامًا قَطُّ خَيْرًا مِنْ أَنْ يَأْكُلَ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ، وَإِنَّ نَبِيَّ اللَّهِ دَاوُدَ - عَلَيْهِ السَّلَامُ - كَانَ يَأْكُلُ مِنْ عَمَلِ يَدِهِ».^{۴۸}

طعام و غذا بهتر را هیچ کس نی خورده از آن که از دست رنج خودش باشد هر آینه پیامبر خدا داود - علیه السلام - از محصول دست خودش غذا می خورد.

پیامبر ﷺ با فرهنگ و فکر رایج در میان مردم عرب که کار و حرفه را سبک و بی ارزش می شمردند و بسیاری از آنان دست به گدایی به طرف بزرگان و سرمایه داران و رسائی عشایر دراز می کردند به شدت مقابله می نمود و برای آن ها توضیح می داد که هرگونه کار و شغل مفیدی که سودی را به دنبال داشته باشد بدون توجه به سخن و قضاوت مردم کاری محترم و با ارزش است و می فرماید «هرکس که طنابش را بر دوش بیندازد و به صحرا برود و پیشه هیزمی را به همراه بیاورد و بفروشد و آن را وسیله احترام و عزت خود نماید بسیار بهتر است از درخواست کمک از مردم، حال آن که به او کمک نمایند یا حاضر به کمک او نشوند».^{۴۹}

۴۷ الجمعة، ۱۰/۶۲.

۴۸ البخاري، الجامع الصحيح، "اليوم"، ۱۵.

۴۹ يوسف قرضاوي، دورنمای جامعه اسلامی (تهران: نشر احسان، ۱۳۷۱)، ۱۲۳.

نتیجه گیری

- گدایی يك پدیده و مشکل اجتماعی و قابل علاج می باشد که در جوامع انسانی موجود بوده و هر جامعه مطابق جهان بینی خویش آن را علاج می نماید، از نظر دین مقدس اسلام علاج این پدیده تطبیق کامل اسلام، در همه نواحی زنده گی می باشد، زیرا اسلام نظام کامل خداوند برای زنده گی است که نه قابل تجزیه است و نه تجزیه را می پذیرد.
- بر فرد مسلمان لازم است که از محصول و دست مزد خود بخورد کار و کوشش را عبادت می شمارد و بر صاحب کار است که اجر و مزد کار گر را قبل از خشك شدن عرق او بپردازد و آن چنان مزد او را بدهد که لایق کار و عملش باشد. از نظر اسلام انسان مکلف است در مصارف روز مره خویش از اسراف خود داری کند.
- اسلام معالجات اصلی گدایی در جوامعی بشری است، مشروط به این که نظام اسلام در جوامع بشری تطبیق شود و فرصتی برای تطبیق آن داده شود، حکام و زمامداران، آن را در ساحه نفوذ خویش تطبیق نمایند.
- مهم ترین عوامل گدایی عبارت از: فقر، ضعف روابط صلهء رحمی اسلامی، بخل سرمایه داران در پرداخت زکات و عشر و دیگر واجبات مالی، عدم همبستگی اجتماعی در میان مردم. وجود بعضی از گروه ها و باندهای خاص که افراد را به همچو کار می گمارند، احساس حقارت در برابر کار و حرفه و اعتماد به صدقات و خیرات از عوامل به میان آمدن مرض گدایی می شود.
- راه های علاج گدایی و گدایی عبارت از: احیای نقش عشر و زکات، بلند بردن سطح اقتصاد مردمان جامعه، تبلیغ علمای دینی به خاطر رشد افکار عامه و بیان قباحت و نادرستی این عمل از نظر شریعت اسلام و محو نمودن زمینه های اعتیاد به مخدرات و مفاسد اخلاقی در جامعه. توجه جدی ارگان های دولتی و تربیت معنوی میباشد.
- اضرار و بی آمد های فردی و اجتماعی گدایی عبارت از: تنبلی و بی همتی، عدم رشد جسمی و روانی اطفال تکدی گ، اعتیاد به مواد مخدر، فروش و تجارت غیر قانونی آن توسط گداگران. گدایی سبب عقب ماندگی و مانع پیشرفت و تقدم است لانه فساد برای انتشار جرایم و جنایات و منشأ شرارت بی قانونی می باشد.
- همچنان که گدایی پیامد های دنیوی دارد، آثار اخروی نیز دارد و پیامبر ﷺ در مورد می فرماید: هر که دست به گدایی گری می زند در روز قیامت نزد خداوند به شکل و شیوه حاضر می شود که در روی آن پارچه بی گوشتی هم نیست.

فهرست منابع

- أبو داود، سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السجستاني. سنن أبي داود. تحقيق. محمد محيي الدين عبد الحميد. بيروت: المكتبة العصرية، بی تا.
- إبن قدامة، أحمد بن محمد بن عبد الرحمن المقدسي. مختصر منهاج القاصدين. بيروت: دارالهجرة، ۱۹۸۹.
- البخاري، أبو عبد الله محمد بن إسماعيل. الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. تحقيق. محمد زهير بن ناصر ابن ناصر. بيروت: دار طوق النجاة، ۱۴۲۲.
- الترمذي، أبو عيسى محمد بن عيسى بن سورة بن موسى بن الضحاك. سنن الترمذي. تحقيق. بشار عواد معروف. بيروت: دار الغرب الإسلامي، ۱۹۹۸.
- الخطيب، ولي الدين محمد بن عبد الله العمري. مشكاة المصابيح. كويته: مكتبة حنيفة، ۱۹۹۹.
- العسال، عبدالكريم. النظام الاقتصادي في الإسلام اهدافه ومبادئه. قاهره: مكتبه هبه، ۱۹۷۷.
- القضاعي، أبو عبدالله محمد بن سلامة بن جعفر. مسند الشهاب. بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۹۸۶.
- بن شرف النووي، يحيى. رياض الصالحين. كراچی: قديمی كتابخانه، ۱۳۸۰.
- بن عبدالله الخطيب، ولي الدين محمد. مشكاة المصابيح. كويته: مكتبه حنيفة، ۱۹۹۹.
- بيان، سيد جان. درمان فقر از نگاه قرآنكريم. پشاور: مركز نشراتی ميوند، ۱۳۸۰.
- جهيد، عبدالواحد. نقش اسلام در جلوگیری از گدایی. بی دی اف: بی نا، ۱۳۸۵.
- https://aqeedeh.com/book_files/pdf/fa/naghsh-islam-dar-jologiri-az-gadayi-PDF.pdf
- حاكم النيشابوري، محمد بن عبدالله. المستدرک علي الصحيحين. بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۰۹.
- دهخدا، علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات امير كبير، ۱۳۷۸.
- عميد، حسن. فرهنگ عميد. تهران: انتشارات امير كبير، ۱۳۶۹.
- قرضاوي، يوسف. دورنمای جامعه اسلامي. تهران: نشر احسان، ۱۳۷۱.
- قرضاوي، يوسف. مشكله الفقر و كيف عالجه الإسلام. بيروت: دار الفكر، ۱۴۲۸.
- محمد بن المكرم، بوالفضل. لسان العرب. بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۶.

مسلم، أبو الحسن بن الحجاج القشيري النيسابوري. المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم. تحقيق. محمد فؤاد عبد الباقي. بيروت: دار إحياء التراث العربي، بي تا.